اوستای کهن، سرودهای زرتشت

گاتاها

برگردان هفت هات نخستین
همراه با متن اوستایی و گزارش های زبانشناسی

پژوهش و نوشته: دکتر آبتین ساسانفر
استاد پیشین دانشگاه ملی

اوستا. فارسی. یسنا، هفت هات نخستین.
اوستا: برگردان هفت هات از گاتاها، سروده های زرتشت با متن اوستایی و گزارش های زبان شناسی
پژوهش و نوشته آبتین ساسانفر.
-تهران: بهجت، ۱۳۸۳.
ج.(ج. ۱)

ISBN 964-6671-51-9

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
ص. ع. به فرانسه: Abtine Sassanfar
Avesta traduction des Gathas de zarathoushtra.
مندرجات: ج. ۱. هات ۳۴.۲۸ یسنا.
۱. اوستا. ترجمه ها. ۲. اوستا. فارسی. یسنا. هفت هات نخستین...نقد و تفسیر. ۳. شعر اوستایی..ترجمه شده به فارسی.
الف. ساسانفر، آبتین. ب. عنوان: ج. عنوان: سرودهای زرتشت با متن اوستایی و گزارش های زبان شناسی.
PIR ۶۸۳

۱۳۸۳ ۲۹۵/۸۲

کتابخانه ملی ایران ۸۲.۳۵۰۹م

انتشارات بهجت

اوستای کهن - سرودهای زرتشت،

گاتاها

برگردان هفت هات نخستین

پژوهش و نوشته: دکتر آبتین ساسانفر

چاپ اول: ۱۳۸۳ خورشیدی
تعداد: ۲۰۰۰ جلد
چاپ: گلبان
قیمت : ۷۰۰۰ تومان
شابک: ۹-۵۱-۶۶۷۱-۹۶۴
ISBN: 964 - 6671 - 51 - 9

همه حقوق محفوظ است.

انتشارات بهجت : تهران – خیابان ولی عصر، دوراهی یوسف آباد ، شماره ۸۰۴
تلفن: ۸۹۶۷۱۷۶ تلفن - دورنگار: ۸۹۵۷۱۷۶

فهرست

عنوان	صفحه
۱ـ سرآغاز	۵
۲ـ دیباچه پرفسور دوشن گیمن	۹
۳ـ پیشینه پژوهش‌های اوستائی	۱۳
۴ـ درباره متن اصلی اوستا	۳۳
۵ـ اوستای کهن ـ سرودهای زرتشت، گاتاها	۳۹
سرود یک یسنا هات ۲۸	۴۰
سرود دو یسنا هات ۲۹	۹۶
سرود سه یسنا هات ۳۰	۱۶۰
سرود چهار یسنا هات ۳۱	۲۲۶
سرود پنج یسنا هات ۳۲	۲۲۶
سرود شش یسنا هات ۳۳	۳۹۸
سرود هفت یسنا هات ۳۴	۴۵۸
۶ـ واژه نامه	۵۲۴
۷ـ آوانویسی	۵۲۵
۸ـ کتابنامه	۵۲۹

سرآغاز

گاتاها سروده‌های زرتشت، یکی از کهن‌ترین نوشته‌هایی است که در جهان بر جای مانده است. اگر کسانی به‌معجزه و کارهای بیرون از توان انسانی باور داشته باشند، پایدار ماندن گاتاها پس از گذشت آن همه رویدادهای ویران کننده، خود بزرگ‌ترین معجزه است. پیشینه شناسائی با این گنجینه دانش فلسفی و اخلاقی برای جهان غرب فقط به‌دویست سال پیش می‌رسد. زمان زرتشت را از ۶۰۰ تا نه هزار سال پیش از میلاد روایت کرده‌اند، در حالیکه براساس بررسی‌های استاد بهروز اشو زرتشت ۱۷۶۸ سال پیش از میلاد به‌جهان آمده و در سن هفتاد و هفت سالگی جهان را بدرود گفته است. گو اینکه دانش اوستاشناسی در دو سده گذشته با بدست آمدن اسناد و کشفیات جدید پیشرفت کرده است ولی نباید انتظار داشت از راه بررسی دانشمندان غربی که هر کدام به‌نوبه‌خود دارای تعصبات مذهبی و ملّی هستند، گاتاها و اندیشه‌های فلسفی زرتشت را بتوان شناسائی کرد. نظریات هر یک از زبانشناسان و دانشمندانی که خواسته‌اند در زمینه اوستاشناسی تئوری و عقیده ارائه کنند گو اینکه از سوی گروه زیادی هم استقبال شده باشد، پس از مدت کوتاهی از ارزش افتاده و اعتبار خود را از دست داده است. در زمان حاضر نیز تمام تئوری‌ها و نظریاتی که از سوی زبان‌شناسان غربی اظهار می‌شود چون نمی‌خواهند به‌اصول خداشناسی (تئولوژی) و ریشه‌های فلسفی اندیشه‌های زرتشت توجه کنند، بیشتر نظراتشان بر پایه حدس و گمان استوار است و نشان دهنده عظمت اندیشه‌های اشوزرتشت نیست.

این وظیفه ایرانیان است که در راه شناختن هویت خود بکوشند تا فرهنگ بزرگ ملّی به‌شکل درست و با تمام ویژگی‌های خود ارائه شود.

به‌شناسائی زرتشت و ریشه اندیشه‌های ایرانی نباید فقط جنبه دینی داد چون بلافاصله چنین برداشت می‌شود که این فعالیت نوعی فعالیت دینی است و در نتیجه ایجاد کشمکش و درگیری مذهبی خواهد کرد. در حالیکه زرتشت بیش از هر چیز یک

دانشمند، فیلسوف و حکیم است. اندک خرافات مذهبی در سراسر گاتاها به‌چشم نمی‌خورد و از اوستا تنها چیزی که به‌زرتشت و دین زرتشتی تعلق دارد همان گاتاها است. در زمانی که دولت‌های ایرانی نیمی از جهان را زیر قدرت و نفوذ اداری خود داشتند و به‌آسانی میسر بود دین خود را رواج دهند از این کار پرهیز می‌کردند. تحمیل دین و عقیده یک اندیشه غیرایرانی است. از سوی دیگر اصول فکری و فلسفی گاتاها اصولی کلی و جهانی است که هر کس در هر زمان می‌تواند حقیقت آن را دریابد، اگر خواست آن را بپذیرد، اگر نخواست نپذیرد مانند یک ایدئولوژی و اندیشه فلسفی، آزاداندیشی و گزینش راه و روش به‌پیروی از خرد، یکی از آموزش‌های اصلی دین زرتشت است. به این اصول فلسفی و اجتماعی که بیش از سه هزار و هفتصد سال پیش آموزش داده شده هنوز گروه زیادی از انسان‌های پیشرفته پای‌بندند.

در نوشته حاضر که برگردان هفت هات از گاتاهاست نمونه‌ای از یک برگردان به‌شیوه نوین ارائه شده و کوشش بکار رفته است تا هر کس که سواد خواندن و نوشتن فارسی دارد خود بتواند در درستی آن بررسی کند. هر گاه در ده‌ها برگردان گاتاها به‌زبان فارسی یا دیگر زبان‌ها مقایسه کوتاهی انجام شود دیده خواهد شد تفاوت‌هائی میان آنها وجود دارد که خواننده را دچار تردید می‌کند. برای درک اندیشه‌های زرتشت باید آنها را به‌زبان و خط اصلی اوستائی بررسی کرد که کار دشواری نیست بویژه که در حال حاضر جنبش اوستاشناسی رونق فراوان یافته و بیشتر دوستداران آن به‌منابع گوناگون پژوهشی دسترسی دارند.

هدف اصلی این نوشته آن است که خواننده ایرانی به‌زبان گاتاها آشنا شود و اوستاخوانی از روی متن اصلی و به‌زبان اوستائی انجام شود.

اندیشه یک ترجمه واحد گاتاها که از سوی همگان پذیرفته شود یک آرزوی بزرگ است ولی باید این کوشش با بررسی‌های دامنه‌دار، بهره‌مندی از تمام منابع دستوری و زبانشناسی، از سوی ایرانی‌های با صلاحیت انجام شود و آن کوششی است که به‌همت بزرگ، وقت زیاد و وسائل کافی نیازمند است. این آرزوی بزرگ خواه ناخواه روزی برآورده خواهد شد و هر کس به‌اندازه توانائی خود می‌تواند به‌این جنبش بزرگ فرهنگی و آشنائی با هویت و شناسه ایرانی کمک و از آن پشتیبانی کند.

* * *

پروفسور دوشن گیمن زبان‌شناس (فیلولوگ) و پژوهشگر عالیقدر دانش اوستائی و ایران‌شناسی است که در محافل علمی اروپا شناخته شده و مورد احترام است. ایشان

کتاب حاضر را با دقت بسیار بررسی کرده و نویسنده را از نظرات خود آگاه ساخته‌اند. آنچه مربوط به‌دانش زبان‌شناسی است، چون قواعدی کلی هستند و نظر همگان نسبت به‌آنها یکسان است، بدیهی است با نهایت سپاسگزاری مورد قبول قرار گرفته‌اند، ولی از سایر جهات مثلاً زمان زرتشت مسئله‌ای است مورد اختلاف که هر پژوهشگری نسبت به‌آن نظری داده است، زمان او را از ۶۰۰ سال تا نُه هزارسال پیش از میلاد روایت می‌کنند. نظر و فرضیات دانشمندان غربی که خود را وارث فرهنگ یونانی می‌دانند، با تمام صلاحیت علمی که حائز باشند نسبت به‌مسائل فرهنگ ایرانی که همراه با احساس ملی، اعتقاد قلبی و همبستگی‌های تاریخی است نمی‌تواند با نظر و برداشت پژوهشگران ایرانی الزاماً یکسان باشد.

بنابراین با احترام بسیاری که نسبت به‌پروفسور دوشن گیمن همراه با قدردانی و سپاسگزاری دارم، به‌ویژه برای کارهای گرانقدری که دربارهٔ دانش اوستائی و ایران‌شناسی از خود بجای گذاشته‌اند، لازم می‌دانم به‌این نکته اشاره کنم که ممکن است دید و برداشت یک ایرانی معتقد به‌فرهنگ و هویت ملی خود با دید و برداشت یک کارشناس بلند پایهٔ غربی که مسلماً دارای چنین اعتقاد و احساس ملی نیست تفاوت داشته باشد.

اگر در متن این کتاب یا در مقدمهٔ فاضلانه‌ای که نوشته‌اند نویسنده نظر دیگری داشته باشد، حمل بر ناسپاسی نکنند.

آبتین ساسانفر
نوروز ۱۳۸۳

PREFACE

Les plus anciens textes de la religion de l'Iran ancien, les gâthas ou hymnes de Zarathustra (grécisé en Zoroastre), datés des 7ème et 6ème siècles avant notre ère par des traditions dont on n'a aucune raison sérieuse de douter (cf. Gherardho GNOLI, *Zoroaster in History*, New York, 2000) sont des textes difficiles Ils ne nous sont intelligibles, à peu près, que dans la mesure où leur langue ressemble, comme par exemple le français à l'italien, à la langue des hymnes védiques, les plus anciens documents de la religion hindoue. Ces hymnes védiques sont comparables par leur contenu et par leur style, à ceux de Zarathustra. Mais il y a une importante différence.

Regardons un peu, en face des 17 gâthâs, les 1017 hymnes védiques. Ce sont principalement des prières et louanges adressées, au cours des sacrifices, à des dieux, principalement à Indra, dieu du tonnerre et de la guerre, au feu personnifié, à la liqueur sacrée, Soma, à laquelle est consacrée tout un livre, sur les dix du recueil. Mais on y trouve aussi des drames dialogués, des recueils d'énigmes, une bénédiction des vaches, des charmes contre la phtisie, contre un sorcier, contre des rivaux, etc., etc. Ces poèmes sont attribuées par la tradition à une centaine d'auteurs différents, parfois nommés dans le texte ; mais aucun de ces noms n'est jamais pour nous autre chose qu'un nom, ne désignant jamais une personnalité avec ses passions, son histoire, son message.

Regardons maintenant les gâthâs. Zarathustra y apparaît rompu à la pratique de l'ancienne poésie. Il use de mètres et d'images qu'emploient de même les chantres védiques. Par exemple, il désigne les prières qu'il adresse au ciel par une métaphore que l'on retrouve dans le Véda : « J'attelerai pour vous », dit-il aux immortels, « les coursiers de mes prières ».

Comme les chantres indiens aussi, il termine parfois un hymne par la réclamation du salaire substantiel auquel il a droit, en tant que prêtre sacrifiant, *zaotar*, sk. *hotar*.

Mais là cessent les ressemblances, car Zarathustra sait qu'il n'est pas un quelconque professionnel du culte. Il a conscience d'une relation personnelle avec le Seigneur, dont il se sent le prophète. Contrairement à ce que nous venons de dire des hymnes védique, où aucune personnalité n'est décelable, si l'on aborde les gâthâs sans parti pris, on ne peut manquer d'y reconnaître, à moins d'être littéralement aveugle, une personne, un message, un destin, même si l'on n'en aperçoit que les grandes lignes.

Nous devons nous représenter la société où vit Zarathustra, quelque part en Afghanistan, comme assez primitive, purement campagnarde, vivant essentiellement d'élevage, mais sédentaire ; et cette communauté a des ennemis plus guerriers, peut-être nomades, qui trouvent plus à leur goût de s'emparer du bétail des autres. Zarathustra a pris parti pour les éleveurs, contre ceux qui sacrifient le bœuf, contre leurs chefs et leurs prêtres.

Maître Sassanfar s'est attelé à la redoutable tâche de traduire les gâthâs. Il les a abordées sans idées préconçues. Il a analysé chaque mot, comparé toutes les traductions de ses prédécesseurs. Il s'est attaché à la lettre de ce texte, résistant, sur mon conseil de philologue, à la tentation de moderniser Zarathustra pour le rendre peut-être plus directement accessible aux lecteurs d'aujourd'hui en le détachant de son temps et de son milieu, c'est à dire d'une société préoccupée, comme toute autre, de sa subsistance et répétons-le, assez primitive. Libre au lecteur d'aujourd'hui de faire abstraction de ces circonstances particulières pour ne retenir du message gâthique que ce qu'il considère comme essentiel, la lutte universelle du bien et du mal, de la vérité et du mensonge.

Jacques DUCHESNE-GUILLEMIN

دیباچه

به قلم پرفسور دوشن گیمن

از قدیمی‌ترین متون دینی ایران باستان، گاتاها یا سروده‌های زرتشت (به‌یونانی Zoroaster) است که زمان او بنا بر سنتی که دلیل جدی برای تردید در آن وجود ندارد، برمی‌گردد به‌سده‌های هفتم و ششم پیش از میلاد (رجوع کنید به‌کتاب نیولی سال ۲۰۰۰ به‌نام زرتشت در تاریخ). آنها متون مشکلی هستند که برای ما قابل درک نیستند مگر تا حدودی که با زبان سرودهای ودائی یعنی قدیمی‌ترین نوشته‌های دینی هندی شباهت و پیوند داشته باشند، همانند شباهتی که میان زبان فرانسه و ایتالیائی وجود دارد.

سرودهای ودائی با سرودهای زرتشت از لحاظ سبک و محتوا قابل مقایسه هستند ولی در این میان تفاوت عمده‌ای وجود دارد. گاتاها که در برابر ماست دارای هفده فصل است ولی سرودهای ودائی دارای یک هزار و هفده فصل می‌باشند.

سرودهای ودائی سرودهائی هستند که در مراسم قربانی یا نیایش، به‌خدایان خطاب می‌شوند. به‌ویژه به‌ایندرا خدای رعد و جنگ، به‌آتش که دارای تشخص شده است، به‌نوشابهٔ مقدس «سوما» که یک جلد کامل از ده جلد کتاب به‌او اختصاص یافته است.

در میان سرودهای ودائی گفتگوهائی به‌شکل نمایش، مجموعه هائی از معماها، دعای خیر برای گاوان، سحر و افسون بر ضد مرض، جادوگر، دشمن و غیره دیده می‌شود. برحسب روایت، این اشعار را به‌بیش از یکصد تن از شاعران نسبت می‌دهند که پاره‌ای از اوقات در متن به‌نام آنها اشاره می‌شود ولی برای ما چیزی جز همان نام باقی نمانده است. هیچگاه شخصیتی با شور و هیجان، همراه با تاریخ و دارندهٔ پیام در میان آنها دیده نمی‌شود.

اکنون به‌گاتاها نظرافکنیم زرتشت در آنها چنان ظاهر می‌شود که از کاربرد سرودهای قدیمی گسسته است و فقط وزن و تصویری را که سرودگویان به‌کار می‌برند دنبال می‌کند. مثلاً در ستایشی که به‌پاکان جاویدان (امشاسپندان که صفات اهورامزدا

هستند) خطاب می‌کند، استعاره‌ای از سرودهای ودائی دیده می‌شود: «پیک نیایش هایم را برای شما زین و افسار می‌کنم». مانند سرودگویان هندی پاره‌ای از اوقات سرودی را با درخواست پاداشی که به‌عنوان پیشوای دینی (زَئوتَر به‌سانسکریت هوتَر) حق خود می‌داند، ختم می‌کند.

همانندی گاتاها با سرودهای ودائی به‌همین‌جا پایان می‌گیرد. زرتشت می‌داند که وظیفهٔ او یک پرستش حرفه‌ای نیست، او در درون خود آگاه است که با خدای خود یک رابطهٔ شخصی دارد و حس می‌کند که پیام‌آور اوست. برخلاف آنچه دربارهٔ سرودهای ودائی گفتیم که در پس آنها شخصیتی آشکار نیست، اگر به‌گاتاها بی‌طرفانه و بدون یک تصمیم از پیش ساخته برخورد شود، نمی‌توان از تشخیص یک حقیقت مسلم خودداری کرد که در پشت آنها، یک شخصیت یک پیام و یک سرنوشت نهفته است، حتی اگر فقط به‌خطوط کلی آن قناعت شود. باید به‌معنی واقعی کور بود تا این حقیقت را درک نکرد.

ما باید جامعه‌ای که زرتشت در آن می‌زیسته است را ارائه دهیم که چیزی شبیه به‌ناحیه‌ای در افغانستان، بسیار ابتدائی و کاملاً روستائی بوده. زندگی براساس گله‌داری و پرورش دام ولی در حالت سکونت و شهرنشینی جریان داشته است. این جامعه دشمنانی داشته جنگجو و خانه بدوش که به‌چپاول چارپایان و رمهٔ دیگران اشتغال داشتند. زرتشت به‌طرفداری از دامداران و بر علیه آنها که گاو را قربانی می‌کردند و پیشوایان آنان قیام کرد.

آقای ساسانفر برای ترجمهٔ گاتاها بدون اندیشهٔ قبلی به‌مشکلات آن، وظیفهٔ دشواری به‌عهده گرفته است، هریک از واژه‌های گاتائی را تجزیه و تحلیل کرده و همهٔ ترجمه‌های مترجمین پیشین را با یکدیگر مقایسه و خود را پایبند ترجمهٔ دقیق تحت‌اللفظی این متن نموده است.

در برابر توصیهٔ من که به‌عنوان یک زبان‌شناس ارائه شده مقاومت کرده و تمایل دارد زرتشت را مدرنیزه کند و به‌صورت جدید ارائه دهد که خوانندهٔ امروزی بتواند مستقیماً به‌آن دسترسی داشته باشد. در حالیکه زرتشت را نباید از زمان و محیطی که در آن می‌زیسته یعنی یک جامعهٔ ابتدائی که گرفتار معاش روزمرهٔ خود بود، جدا ساخت.

خوانندهٔ امروزی آزاد است که گاتاها را جدا از شرایط زمانی و مکانی آن مورد توجه قرار دهد و فقط پیام آن را که مبارزهٔ همه جانبهٔ خوبی علیه بدی و راستی بر ضد ناراستی است، بپذیرد.

ژاک دوشِن گیمَن